

پژوهشی در شأن، ترتیب و زمان نزول آیات غدیر

عزت‌الله مولایی‌نیا*

محمودرضا توکلی محمدی**

چکیده

واقعه غدیر در جریان تاریخ اسلام، از سال دهم هجری تا به امروز، چالش‌برانگیزترین مسئله میان مدرسه اهل بیت (علیهم‌السلام) و مدرسه عامه بوده است. آیات غدیر از حیث شأن نزول، پژوهش‌های بسیاری از فریقین را به خود جذب کرده است. در مقاله حاضر برآنیم تا با برشمردن ویژگی‌های انبیا (ع) و ارزیابی امامت به‌عنوان پشتوانه و قرین رسالت در قرآن، و نیز با توجه به نقش اساسی اسباب‌النزول در تفسیر آیات و بیان بروز اختلاف درباره نزول آخرین سوره و آخرین آیه قرآن، شأن نزول آیات غدیر را در حوزه تفسیر و تاریخ و حدیث فریقین نقد و بررسی علمی کنیم و فضای مناسبی را فراروی تفسیر این آیات فراهم سازیم.

کلیدواژه‌ها: غدیرخم، آیات غدیر، شأن نزول، اهل بیت (ع).

۱. مقدمه

پیامبران الهی (ع)، علی‌رغم وجود تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی که در شیوه پیامبری، نوع رسالت و محدوده و گستره تبلیغ ایشان وجود دارد، با یک هدف واحد ازسوی خداوند تبارک و تعالی به هدایت و راهنمایی مردم برانگیخته شدند. بدیهی است که همه پیامبران در یک راه قدم می‌گذاشتند، راهی که با حضرت آدم (ع) شروع و به خاتم‌الانبیاء والرسول،

* استادیار دانشگاه قم Dr.molaeenia@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه قم و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) mrtavakoly@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۳

محمد مصطفی (ص) ختم شد. با پژوهش و کنکاش در حیات پیامبران الهی، به این نکته پی می‌بریم که آن‌ها در کل دارای سه ویژگی مشترک و اساسی بوده‌اند:

۱. رسالت اصلی و نهایی آنان تبلیغ در چارچوب دستورات و اوامر الهی بوده است؛
۲. با حاکمیت ارزش‌های الهی در جامعه، درصدد تشکیل حکومتی دینی و خدامحور برآمده‌اند؛

۳. ایشان نیز از نظر هوش و ذکاوت و مدیریت و کارایی سرآمد مردم دوران خود بوده‌اند. اما موضوع هدایت انسان‌ها فقط به مبحث نبوت و رسالت ختم نمی‌شود، بلکه در کنار آن، بحث امامت نیز همواره برای راهنمایی انسان‌ها مطرح بوده و پیغمبر اسلام (ص) نیز از نخستین روز رسالت به این امر مأموریت یافته و خود حق تعیین و انتخاب آن را نداشته است (طبری، ۱۳۹۰: ۲/ ۸۴؛ ابن‌هشام، ۱۴۱۱: ۲/ ۳۳-۳۴؛ آیتی، ۱۳۶۶: ۱۷۶). این مسئله، علاوه بر قرآن کریم، در سیره پیامبر اعظم (ص) نیز مطرح بوده و کارکرد عملی داشته است.^۱

در پژوهش حاضر، آیه شریفه «حرمت علیکم المیتة ... الیوم یئس الذین کفروا من دینکم ...» (مائده: ۳) به صورت توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، چراکه با پژوهش در اسباب نزول آیات، اسرار فراوانی فراروی افکار عمومی قرار خواهد گرفت و تحول بزرگی در عرصه تفسیر به وجود خواهد آمد، تا آن‌جا که حتی بتواند باورهای مسلم مفسران را باطل کند و نظریه جدیدی را جایگزین سازد.

البته گستردگی روایات شأن نزول از سویی و رهیابی عوامل تحریف حقایق تاریخی در آن‌ها از سوی دیگر، ما را در فهم درست گزارش‌های حدیثی دچار مشکل ساخته است و در این میان، نگرش از زاویه عقلی و تاریخی می‌تواند راه صحیح را نمایان سازد؛ ازاین‌رو باید با نقد و بررسی علمی و با بهره‌گیری از شیوه‌های کارآمد، نخست مسئله شأن نزول آیه اکمال را روشن کرد تا در مرحله بعد، زمینه فهم صحیح آن فراهم آید.

۲. بیان مسئله

تاریخ اسلام و به‌ویژه تاریخ قرآن با تمامی مسائل جزئی آن به دست مسلمانان نگاشته و حفظ شده، ولی بروز نظریه‌های مختلف و گاه متناقض در این زمینه، عرصه را بر پژوهشگران اسلامی و قرآن‌پژوهان تاحدودی تنگ کرده است. البته بروز اختلاف درباره تاریخ تولد پیامبر اعظم (ص) یا نخستین سوره و آیه نازل‌شده چندان جای تعجب و

شگفتی ندارد، زیرا این امر را می‌توان ناشی از تازه‌بودن دعوت، بی‌سوادبودن عامهٔ مسلمانان و عدم اهتمام در ثبت وقایع از سوی آنها دانست؛ همان‌گونه که دربارهٔ نخستین سورهٔ نزول یافته بر حضرت ختمی‌مرتبت (ص)، به سوره‌های علق، مدثر، حمد اشاره شده است. (سیوطی، ۱۹۷۳: ۱۰۱)

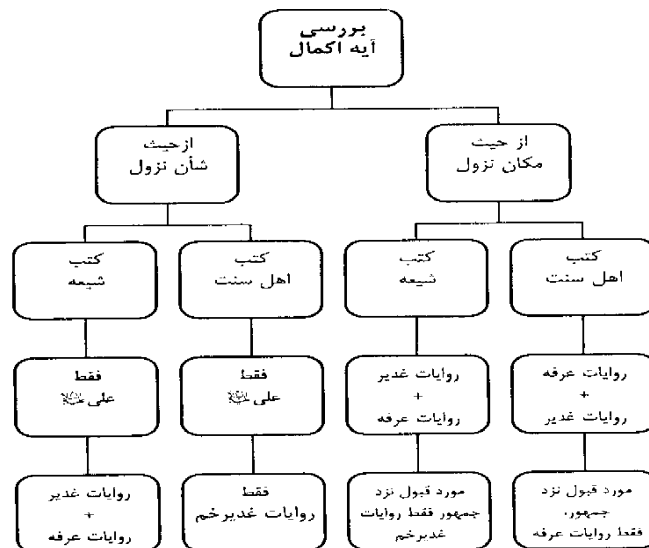
اما جای شگفتی است که می‌بینیم دربارهٔ آخرین سوره و آیهٔ نازل‌شده بر پیغمبر (ص)، وفات ایشان، مسئلهٔ امامت و جانشینی پیامبر (ص) و ... با نظریه‌های متناقضی از سوی عده‌ای از مسلمانان روبه‌رو هستیم و ناخودآگاه این سؤال به اذهان بیداردلان خطور می‌کند که چرا با وجود اقتدار دولت اسلامی، وجود مبارک رسول خاتم (ص) در صدر جامعهٔ اسلامی و نیز تأکید ایشان بر جانشینی بعد از خود، به‌صورت مکرر و به‌ویژه در حجة‌الوداع و مراسم غدیر، باز شاهد اختلاف و تفرقه در جامعهٔ اسلامی هستیم.

با وجود آن‌که پیغمبر اسلام (ص)، قبل از رحلت، امام و جانشین بعد از خود را معرفی کرده و از مرد و زن حاضر در غدیر برای ایشان بیعت گرفته و آخرین سوره و آیهٔ فرودآمده (مائده) را قرائت فرموده است، چه چیزی باعث ایجاد اختلاف در این امر واضح و روشن شده و امت اسلامی را تا به امروز سرگردان و متحیر ساخته است؟

شایان ذکر است که در زمینهٔ شأن نزول آیات غدیر، تاکنون کارهایی انجام گرفته که در صدر این کارها باید به علامه امینی در *الغدیر* اشاره کرد که تمامی روایات شأن نزول آیات غدیر را بررسی کرده است (← امینی، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۷ به بعد). از پژوهش‌های معاصر در این زمینه نیز می‌توان به مقاله‌های «روش فریقین در تفسیر آیهٔ اکمال» از فرزاد جهان‌بین، «بررسی تطبیقی تفسیر آیهٔ اکمال با تأکید بر نقد مناقشه‌ها دربارهٔ دیدگاه شیعه» از فتح‌الله نجارزادگان، «پژوهشی دربارهٔ مفاد آیهٔ اکمال دین از دیدگاه فریقین» از فتح‌الله نجارزادگان، «طرق‌شناسی روایت غدیر خم و پاسخ به شبهات» از سیدلقمان حکیمی و محمدعلی رضایی اصفهانی و نیز مقالهٔ «طرق‌شناسی روایت عرفه، همراه با نقد و بررسی» از سید لقمان حکیمی اشاره کرد، ولی مقالهٔ حاضر از دیدگاهی دیگر و با تأکید بر نظریات اهل تسنن، سعی بر اثبات حقیقت و چگونگی نزول آیات غدیر در قرآن کریم دارد.

۳. بررسی آخرین سوره و آیهٔ نزول یافته

قبل از ورود به این مبحث، توجه به نمودار زیر در درک بهتر مطلب مؤثر خواهد بود:



با استناد به شواهد و دلایل متقن تاریخی، سوره مبارکه مائده، آخرین سوره و آیه شریفه اکمال، آخرین آیه‌ای است که بر حضرت محمد (ص) نزول یافته، و هر پژوهشگر منصفی نیز بی تردید با بررسی همه‌جانبه منابع حدیثی، فقهی، تفسیری و تاریخی قطعاً به همین نتیجه خواهد رسید؛ ولی متأسفانه باید اذعان کرد که برخی از پیروان مکتب خلفا، با استفاده از نفوذ و قدرت سیاسی خود در این زمینه، شبهه‌افکنی کرده و با طرح سوره‌ها و آیات دیگر، باعث بروز مشکلات فراوانی در فهم مقاصد آیه اکمال شده‌اند. طرفداران این نظریه، علی‌رغم تمامی شواهد و مستندات که بر نزول آیه اکمال - به‌عنوان آخرین آیه - دلالت دارد، منکر این حقیقت مسلم شده‌اند و معتقدند که آیه اکمال، روز جمعه و در عرفه نازل شده، نه در غدیر، و سوره مائده نیز آخرین سوره نبوده است. اینان درمقابل این حقیقت مسلم تاریخی «نه» نظریه متفاوت مطرح کرده‌اند و بر صحت آن پافشاری می‌کنند. در این نظریات عنوان شده است: آخرین آیه نازل شده بر پیامبر (ص) یکی از آیات یا سوره‌های شریفه زیر است:

۱. آیه ۲۷۸ بقره (آیه ربا)؛ ۲. آیه ۲۸۱ بقره: «وَاتَّقُوا يَوْمًا ...»؛ ۳. آیه ۱۷۶ نساء (کلاله)؛
۴. آیه ۱۲۸ توبه: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ ...»؛ ۵. آیه ۲۵ انبیا (ع): «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ ...»؛ ۶. آیه ۱۱ کهف: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ ...»؛ ۷. آیه ۹۳ نساء: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا ...»؛ ۸. سوره توبه (یکجا)؛ ۹. سوره نصر. (سیوطی، ۱۹۷۳: ۱/ ۱۰۱)

طرفداران نظریات بالا بر این عقیده‌اند که آیه شریفه اکمال، روز جمعه و در عرفه نازل شده است و نه در غدیر و نیز سوره مبارکه مائده، آخرین سوره نازل شده بر پیامبر (ص) نیست. البته این نظریه را می‌توان به عنوان نظریه دهم به دیگر نظریات مطرح شده اضافه کرد. به نظر می‌رسد تنها دلیل این تناقض‌گویی، اظهارات برخی از صحابه است و پژوهشگران عامه نیز جرئت مخالفت با آن را نداشته‌اند. خلیفه دوم، گاهی درباره احکام آیه ربا اظهار بی‌اطلاعی کرده و به رسول خدا (ص) نسبت اهمال‌کاری داده است — با آنکه احکام ربا در آیات: ۲۷۵ و ۲۷۶ بقره و ۱۶۱ نساء و آیه ۳۹ روم و ۱۳۰ از آل عمران بیان شده و برخی از آن‌ها، حتی مکی است و یا اوایل سور مدنی و منظور خلیفه، آیه ۲۷۸ بقره بوده است (ابن حنبل شیبانی، ۱۳۱۳: ۱/۳۶؛ سرخسی، ۱۴۰۲: ۲/۵۱ و ۱۲/۸۱۴؛ سیوطی، ۱۹۷۳: ۱/۱۰۱ به گزارش از بخاری)؛ و این نظریه برخلاف نص آیه اکمال و برخلاف نظریه اهل بیت (علیهم‌السلام) است. علاوه بر آن که این امر نوعی بدفهمی قرآن و عدم درک صحیح آن نیز به شمار می‌رود. همان‌گونه که جای دیگری ادعا کرده است آیه «کلاله» (نساء: ۱۷۶) را پیامبر (ص) توضیح نداده و آن آخرین آیه منزل است (بخاری، بی‌تا: ۵/۱۱۵، ۱۸۵؛ سیوطی، ۱۹۷۳: ۱/۱۰۱؛ ابن حنبل شیبانی، ۱۳۱۳: ۴/۲۹۸) و از آن روز آیه «کلاله» هم وارد میدان رقابت شده و در صدها کتاب، در قالب ده‌ها حدیث از قول شیخین گزارش شده است.

خلیفه دوم تا پایان عمرش مفهوم کلاله را بزرگ‌ترین مشکل حکومت و مردم معرفی، و از مردم، راه‌حل کارآمد آن را درخواست می‌کرد (بخاری، بی‌تا: ۶/۲۴۲). وی گاهی موضوع «کلاله»، جانشینی پیامبر (ص) و ربا را به عنوان سه معضل لاینحل مطرح، و آرزو می‌کرد که ای کاش احکام این‌ها را از رسول خدا (ص) پرسیده بود (همان، ۶/۲۴۲؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۹۷۲: ۲/۸۱، ۵/۶۱، ۸/۲۴۵؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۱/۲۴۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۵: ۲/۳۰۳).^۲

براساس این گزارش، خلیفه، احکام امور سه‌گانه را از رسول خدا (ص) پرسیده بود و ایشان هم آن‌ها را توضیح نداده بودند. (← مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۹۷۲: ۵/۶۱؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۲/۲۴۹-۲۵۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۱/۸۰ ح ۳۰۶۸۸)

گروه دیگری از محدثین، همین سه مسئله را از قول عمر نقل کرده و بیان داشته‌اند که وی بارها و بارها این مسائل و به‌ویژه احکام کلاله را از رسول خدا (ص) پرسیده و پاسخ شنیده و سرانجام رسول خدا (ص) بر وی خشمگین شده و فرموده است که تو هیچ‌گاه

مفهوم آن را نخواهی فهمید (همان). حتی سیوطی می‌گوید: رسول خدا (ص) احکام کلاله را برای او نوشت تا دیگر فراموش نکند (سیوطی، ۱۴۰۳: ۲/۲۴).

با توجه به آنچه عنوان شد، تناقض اقوال ده‌گانه برکسی پوشیده نیست؛ ولی موضع‌گیری ارباب صحاح سته و دیگر جوامع حدیثی، تاریخی، تفسیری و فقهی پژوهشیان مدرسه خلفا حیرت‌انگیز است؛ زیرا این گروه با همه دلایل و مطالبی که عرضه شد، با نادیده گرفتن اسناد و نصوص معتبر و متواتر المعنی، نزول آیه تبلیغ و اكمال را به روز جمعه در عرفه مربوط دانسته و آخرین آیه نزول یافته را به دیگر عرصه‌های قرآن تفسیر کرده‌اند و بر آن پافشاری می‌کنند. (مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۹۷۲: ۵/۶۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲/۱۹۲۲-۱۹۲۴؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۲/۲۴۹-۲۵۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۱/۸۰ ح ۳۰۶۸۸)

در همین راستا، اشاره به دیدگاه برخی از علمای معاصر اهل تسنن نیز خالی از لطف نیست و خواننده را بیش از پیش با پیشینه معاصر این مسئله آشنا می‌کند. مراغی در این حیطة، بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به اختلاف روز نزول و بدون مقدمه و دلیل می‌گوید:

این روز، روز عرفه از حجة‌الوداع سال دهم هجرت و مصادف با جمعه بود، و همان روزی است که در آن، این آیه نازل شد و احکامی را بیان کرد که اسلام به واسطه آن، بقایای جاهلیت را باطل ساخت. (المراغی، بی‌تا: ۶/۵۳)

وی آیات بعدی را هم به تکمیل حلال و حرام حمل کرده، و با این‌که این مسئله در میان اهل سنت مورد اختلاف است، حتی به آن اختلاف کوچک‌ترین اشاره‌ای نیز نکرده است. وهبة‌الزحیلی نیز به روایاتی که بر نزول آیه اكمال درباره امام مسلمانان تأکید دارد، کوچک‌ترین اشاره‌ای نمی‌کند. (الزحیلی، ۱۴۱۱: ۶/۸۴-۸۵)

طنطاوی هم در تفسیر جوهر خود به این امر اشاره دارد که این آیه در عصر جمعه روز عرفه و در حجة‌الوداع سال دهم هجرت نازل شده است (الطنطاوی، ۱۴۱۱: ۳/۱۶۳-۱۶۴). شنقیطی نیز در تفسیر خود، اصلاً این آیه را تفسیر نکرده است. محمد جمال‌الدین قاسمی نیز با این‌که بعد از بیان نزول آیه در روز عرفه، به نقل از ابوسعید خدری، نزول آیه را در غدیر خم بیان می‌کند، در ادامه، آن را رد می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۸: ۶/۴۵-۴۶). سید قطب نیز با بیان این‌که آیه مذکور آخرین آیه‌ای است که بر پیامبر (ص) در حجة‌الوداع نازل شده است، بدون اشاره به روز نزول آیه، از آن می‌گذرد (سید قطب، ۱۴۱۹: ۲/۸۴۰-۸۴۱).

چنین تناقض‌گویی از چنین عالمان بزرگی به‌هیچ‌وجه قابل پذیرش نیست، آخر چگونه امکان دارد که با نزول آیات غدیر در مرآی و منظر دست‌کم هفتاد‌هزار مسلمان و مراسم بیعت در غدیر و پنج سخنرانی دربارهٔ مسائل کلیدی اسلام، به‌ویژه امامت و خلافت اسلام توسط شخص رسول خاتم (ص)، باز هم خلیفه از مسئلهٔ خلافت یا محتوای آخرین آیهٔ نازل‌شده بر پیامبر (ص) بی‌اطلاع باشد و حقیقتی چون غدیر را منکر شود؟! با توجه به این تناقض‌گویی روشن و مفهوم و منطوق آیهٔ «الیوم یُسِّدُ الَّذِینَ کَفَرُوا ... الیوم اکملت ... و رضیت لکم الاسلام دینا» (مائدة: ۳)، معلوم می‌شود که ملاحظات سیاسی — مذهبی، پژوهشگران اسلامی را وادار به اتخاذ چنین موضع خلاف قرآن و سنت کرده است. البته حکم کسانی که برخلاف وحی و فرامین الهی حکم کنند، در قرآن کریم مشخص شده است.^۴

۴. توجیه غیرموجه

برخی از پژوهشگران، علی‌رغم تأکید بسیاری از صحابه و تصریح ائمهٔ اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و تأیید عقل و نیز نصّ خود آیهٔ اکمال و مفهوم آن و سیاق آیات و با وجود پذیرش آن، برای دفاع از دیدگاه خلیفه، آیهٔ اکمال را به فتح مکه تأویل کرده‌اند و معتقدند: این امر با تشریع احکام دیگر منافاتی ندارد (سیوطی، ۱۹۷۳: ۲۷/۱ به گزارش از طبری، ۱۴۰۹: ۱۱۱-۱۱۲). البته بدیهی است که این توجیه را نه حقایق تاریخی می‌پذیرد و نه روایات اهل‌بیت (ع) و نه گزارش‌های حدیثی خود اهل سنت (← بخاری، بی‌تا، ۱۸۲/۵ و ۱۵؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۱/۴۰۷، ۲/۱۹۶، ۳/۲۹۵؛ الهیثمی، ۱۹۶۷: ۱۸/۳۴۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۵: ۲/۳۳۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۹: ۲/۲؛ ابوداود، بی‌تا: ۱/۱۸۲؛ مسلم‌بن‌حجاج نیشابوری، ۱۹۷۲: ۸/۲۴۳؛ ترمذی، بی‌تا: ۴/۳۲۸) و نه نصّ صریح آیهٔ اکمال دین.

۵. نگرش ائمهٔ اهل‌بیت (ع)

خاندان وحی در طول حضور فعال و سرنوشت‌ساز خود در جامعهٔ اسلامی، سورهٔ مائده را آخرین سوره و آیهٔ اکمال را آیهٔ پایانی قرآن اعلام کردند و فرمودند که پس از نزول سورهٔ مائده و آیهٔ اکمال، طومار تشریع فرائض و احکام، مسدود و هرگونه نسخ، إنشاء، تشریع و یا تغییری در حوزهٔ دین برای همیشه ممنوع شد. از این‌رو وجوب مسح پاها را در وضو بر همین سوره استدلال می‌کردند.

امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرماید: خداوند درباره امامت امیرالمؤمنین (ع) بر رسول خدا (ص) آیاتی را نازل فرمود. برخی از آیاتی که امام (ع) به آن اشاره فرموده، عبارت‌اند از:

۱. اَنَّمَا وَلِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رُكْعُونَ. (مائده: ۵۵)

۲. اطيعوا اللَّه و اطيعوا الرَّسُول واولى الامر منكم ... (نساء: ۵۹)

۳. ولو ردّوه الى الرَّسُول والى اولى الامر منهم لعلمه الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ... (نساء: ۸۳)

آنگاه فرمان داد که مانند احکام نماز و روزه و زکات و ... آن را برای مردم تشریح کند و رسول خدا (ص) با توجه به حدیث‌العهد بودن مردم و حسادت آنان و نیز فضای سیاسی - اجتماعی آنان، ترس ارتداد مردم را داشت، تا آن‌که آیه تبلیغ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ...» (مائده: ۶۷) نازل شد و تعیین امام و اخذ بیعت را واجب کرد و صیانت از دین و رسول خدا (ص) را برای همیشه تاریخ تضمین کرد و رسول خدا (ص) به دنبال آن در غدیرخم، آن مراسم تاریخی را برگزار کرد.

پیش از نزول آیه تبلیغ، فرایض، یکی پس از دیگری به ترتیب فرود می‌آمد، تا آن‌که آیه اکمال دین و اتمام نعمت فرود آمد و ختم جریان تشریع و نزول وحی را برای همیشه اعلام کرد و حلال و حرام محمد (ص) را تا پایان عمر دنیا، ثابت، جاویدان و تغییرناپذیر بیان کرد و فرمود:

حلال محمد حلال الی یوم القیمة ابدًا و حرامه حرام الی یوم القیمة ابدًا. (یعقوبی، بی‌تا: ۹۳/۲؛ کلینی، ۱۴۱۹: ۲۸۶/۱)

۶. تأیید نظریه اهل بیت (ع) از سوی پژوهشگران اسلامی

گروه زیادی از عالمان اهل سنت در مصادر خود، دیدگاه ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) را از طریق صحابه گزارش کرده و بر آن تأکید کرده‌اند، از جمله:

۱. عبدالرحمن سیوطی در الدرالمشهور^۵ از طریق ابومیسره: مائده، آخرین سوره و در آن ۱۷ فریضه نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۳: ۲/۲۵۲)؛ ۲. احمد در مسند (ابن حنبل شیبانی، ۱۳۱۳: ۶/۱۸۸)؛ ۳. بیهقی در السنن الکبری (بیهقی، بی‌تا: ۷/۱۷۲)؛ ۴. حاکم در مستدرک

(حاکم نیشابوری، ۱۴۲۵: ۳۱۱/۲)؛ ۵. ابن حزم در *المحلی* (ابن حزم، بی‌تا: ۳۹۸/۷، ۴۰۷/۹)؛ ۶. قاضی ابویعلی در *طبقات الحنابلة* (ابویعلی موصلی، بی‌تا: ۴۲۷/۱)؛ ۷. هیشمی در *مجمع‌الزوائد* (الهیشمی، ۱۹۶۷: ۲۵۶/۱)؛ ۸. طوسی در *تفسیر تبیان* (طوسی، بی‌تا: ۴۱۳/۳، به گزارش از جوامع حدیثی عامه)؛ ۹. امینی در *الغدیر* (امینی، ۱۳۸۷: ۲۲۸/۱، به گزارش از ده‌ها مصدر از منابع عامه) و از طریق عایشه و عبدالله بن عمر و ابن عباس و دیگران، که همگی سوره مائده را آخرین سوره مدنی گزارش کرده و بر احکام و منسوخ‌نبودن آیات این سوره تأکید کرده‌اند. (← سیوطی، ۱۴۰۳: ۲/۲۵۲)

۷. محل و شأن نزول آیه

براساس گزارش‌های جوامع حدیثی شیعه، آیه اکمال در روز پنج‌شنبه، ۱۸ ذی‌حجه سال دهم هجری، به هنگام بازگشت از حجة‌الوداع در محل جحفه (غدیرخم) نزول یافته است. به عبارت دیگر، پس از آن‌که رسول خدا (ص)، بر پایه آیه تبلیغ، دستور یافت که حاجیان را قبل از پراکنده‌شدن در محل غدیرخم متوقف کند و ولایت و جانشینی علوی را بیان دارد و از همگان بیعت رسمی بگیرد؛ آیه اکمال، مبنی بر اِکمال دین و اتمام نعمت فرود آمد (کلینی، ۱۴۱۹: ۱/۳۴۵). در همین رابطه، شخصی از امام باقر (ع) پرسید: می‌خواهم بدانم که ولایت علی (ع) از جانب خدا بود، یا از سوی پیامبر (ص)؟ امام در پاسخ فرمود: رسول خدا (ص) باتقواتر از آن بودند که بدون دستور خداوند چنین کاری را انجام دهند. بلکه همان‌گونه که نماز، روزه، حج، زکات، جهاد و ... واجب شده بود، ولایت و امامت نیز فرض و واجب شد (همان).

خداوند، قبل از شهادت رسول خدا (ص)، دین خود را کامل ساخت و قرآن را که تبیان کل شیء بود^۶، بر او نازل کرد و در آن، حلال و حرام و حدود و احکام را به‌طور کامل بیان کرد و فرمود: «ما فرطنا فی الکتب من شیء» (انعام: ۳۸) و در واپسین روزهای حیات رسول خدا (ص)، آیه اکمال دین را در ارتباط با نعمت امامت نازل فرمود.^۷

امام رضا (ع) درباره انتخاب امام از سوی مردم با تأکید بر الهی‌بودن منصب امامت، فرمود: آیا مردم، قدر، منزلت و جایگاه امامت را در پیکره دین و در میان جامعه می‌شناسند تا انتخاب وی برعهده آنان نهاده شود؟! منزلت، جایگاه و مقام امامت در حدی است که خدای حکیم، پس از مقام نبوت و خلت ابراهیم خلیل (ع)، آن را به وی ارزانی داشته و به او اختصاص داده و یاد او را در جهان جاویدان ساخته است^۸ (← کلینی،

۱۴۱۹: ۱/ ۲۲۸-۲۳۱) و در ضمن آن، امامت ظالمان را برای همیشه نفی فرموده و این منصب را تنها به اولیای بزرگ خود اختصاص داده است. سپس خدای حکیم، امامت را در برگزیدگان ذریه او قرار داد و فرمود:

ووهبنا له اسحق ويعقوب نافلة وكلاً جعلنا صالحين، وجعلناهم ائمة يهدون بامرنا واوحينا اليهم فعل الخيرات واقام الصلوة وايتاء الزكاة وكانوا لنا عابدين^۹ (انبیاء: ۷۲-۷۳)

مقام امامت پیوسته در میان فرزندان ابراهیم (ع) دور می‌زد، تا آن‌که رسول خاتم (ص) ظهور کرد و درباره او فرمود:

ان اولى الناس بابراهيم للذين اتبعوه وهذا النبي والذين آمنوا والله ولي المؤمنين. (آل عمران: ۶۸)

رسول خدا (ص) امام جامعه بود، تا آن‌که به فرمان خدای حکیم، علی (ع) را به امامت بعد از خود برگزید و آنگاه امامت در ذریه پاک و معصوم او تا قیامت جاری شد (کلینی، ۱۴۱۹: ۲۵۵-۲۶۲)؛ چون بعد از رسول خاتم (ص) دیگر پیامبری نخواهد آمد و امامت تا ابد در ذریه علی (ع) که وارثان علم و ایمانند، قرار گرفته است، پس چگونه باور کنیم که انسان با عقل ناقص خود، چنین مقام و جایگاهی را می‌شناسد تا برای آن امامی تعیین کند (همان).

۸. غدیر در جوامع روایی عامه

جریان غدیر در اغلب جوامع حدیثی اهل سنت وارد شده و آن را از ۸۰ نفر از صحابه و ۱۲۰ نفر از تابعین و از صدها نفر از تابعین تابعین، با اسناد صحیح گزارش کرده‌اند. حتی برخی از آنان درباره ولایت و غدیر نگارش‌های ویژه‌ای را سامان داده و طی آن، جریان غدیر، بیعت مردم با امام علی (ع) و خطبه‌های رسول خدا (ص) در غدیر را با اسناد فراوانی گزارش کرده‌اند.^{۱۰}

احادیث و آیات غدیر را گروهی از پژوهشگران بزرگ شیعه، مانند سیدحامد حسین هندی در *عقبات الأنوار*^{۱۱}، قاضی نورالله شوشتری در *إحقاق الحق*^{۱۲} و امینی در *الغدیر*^{۱۳} با نقد و بررسی جوامع حدیثی عامه گردآوری و استخراج کرده و برای همیشه مشکل مسئله غدیر را از نظر علمی و تاریخی حل کرده‌اند.

با آن‌که صدها حدیث در جوامع حدیثی عامه درباره جریان غدیر خم وجود دارد و علی‌رغم این‌که برخی از آن‌ها نص در نزول آیه اکمال در روز غدیر، پس از مراسم بیعت با

امیرالمؤمنین (ع) بوده و نیز اغلب آن‌ها بر این امر که بعد از آن دیگر آیه‌ای درباره حلال و حرام نازل نشده و آیه اکمال، آخرین وحی الهی است، تصریح دارند^{۱۴}، ولی با وجود این، بیشتر آنان به پیروی از ادعاهای ضلّ و نقیض برخی از صحابه، نزول آیه اکمال را مربوط به روز عرفه دانسته و تاریخ نزول قرآن کریم را تحریف کرده‌اند که در این زمینه، با برخی از دیدگاه‌های اهل سنت در همین مقاله آشنا شدیم و برای جلوگیری از اطالة کلام، مطالعه بقیه را به خوانندگان گرامی وامی‌نهمیم.

۹. جوامع حدیثی عامه و شأن نزول آیه اکمال

مرحوم امینی از منابع بسیاری از کتاب‌های اهل سنت نقل می‌کند، دال بر این که آیه اکمال، آخرین آیه قرآن بوده و در روز غدیر، پس از مراسم بیعت درباره امامت و ولایت علی (ع)، نزول یافته است (امینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۳۰)^{۱۵} که از این جمله است:

۱. ابن جریر طبری (م: ۳۱۰هـ) در کتاب ولایت؛ ۲. ابن مردویه اصفهانی (م: ۴۱۰هـ)؛ ۳. ابونعیم اصفهانی (م: ۶۲۰هـ) در کتاب ما نزل من القرآن فی علی (ع)؛ ۴. خطیب بغدادی (م: ۴۶۳هـ) در تاریخ بغداد، ۸/ ۲۹۰؛ ۵. ابوسعید سجستانی (م: ۴۷۷هـ) در کتاب الولایة؛ ۶. مغازلی شافعی (م: ۴۸۳هـ) در مناقب خود؛ ۷. حاکم حسکانی، به گزارش از ابن عساکر (م: ۵۷۱هـ)؛ ۸. سیوطی در الدر المنثور، ۲/ ۲۵۹؛ ۹. خطیب خوارزمی (م: ۵۶۸هـ) در مناقب ذوالقربی، ۸۰-۹۴؛ ۱۰. ابونعیم نطنزی در الخصائص العلویة، ۴۳؛ ۱۱. ابوحامد الصالحانی؛ ۱۲. حموی حنفی (م: ۷۳۲هـ) در فرائد السطین؛ ۱۳. تفسیر طبری، ۴/ ۱۱۱؛ ۱۴. تاریخ دمشق، ۲ جزء ۴/ ۳۰۹؛ ۱۵. تفسیر ابن کثیر، ۲/ ۱۴؛ ۱۶. اتقان سیوطی، ۱/ ۷۵؛ و منابع دیگری که بیان آن‌ها مجال دیگری را می‌طلبد.

چنان‌که بیان شد، ائمه اهل بیت (ع) و بسیاری از پژوهشگران عامه، از طریق صحابه، نزول آیه اکمال را به‌عنوان آخرین آیه نزول یافته در روز غدیر خم می‌دانند. درحقیقت، خود خلیفه نیز با آن که می‌دانست آیه اکمال در روز غدیر و درباره ولایت علی (ع)، پس از مراسم بیعت با وی نازل شده است^{۱۶}، به دلایل سیاسی، پیوسته آن را انکار می‌کرد و به روز عرفه نسبت می‌داد؛ متأسفانه برخی علمای عامه نیز با توجه به همین دلیل‌های سیاسی، قول وی را حتی بر نص قرآن هم مقدم داشته‌اند که از آن جمله است: سیوطی در کتاب الاتقان (۷۵/ ۱) و الدر المنثور (۲/ ۲۵۹)، ابن کثیر در تفسیر خود (۲/ ۱۴) و طبری در تفسیر خود (۴/ ۱۱۱) و در مختصر تاریخ دمشق (۲/ ۳۰۹) و ...^{۱۷} که همگی پس از گزارش نزول آیه

در روز غدیر و درباره ولایت علی (ع) در غدیر خم^{۱۸}، آن را تضعیف کرده، سپس قول خلیفه را بر آن ترجیح داده‌اند.

۱۰. نقد و بررسی روایات شأن نزول آیه

با بررسی احادیث حجة الوداع، از جمله غدیر، محل و علت نزول آیه اکمال، حقیقت امر کاملاً روشن می‌شود، چراکه:

۱. وداع رسول خدا (ص) با حضور حدود یکصدویست هزار حاجی انجام شد و امری سرّی نبود که فقط خلیفه آن را بداند و نه کس دیگر.

۲. گزارشگران واقعه بزرگ غدیر و حجة الوداع، پنج خطبه را به همراه جزئیات آن‌ها، به حضرت رسول خدا (ص) منتسب ساخته و حتی روز و ساعت حرکت آن حضرت، توقف‌های وی، نمازهای سفر و گفت‌وگوهای ایشان با دیگران از مدینه تا بازگشت به آن‌جا و چگونگی و زمان و مکان ورود و خروج به مکه و جزئیات مراسم حج را گزارش کرده‌اند. از این رو، این تاریخ و ضبط حوادث این واقعه است که باید مورد پذیرش قرار گیرد، نه نظر یک نفر که نظریات خودش هم متناقض است. تاریخ، خوشبختانه، نزول آیه اکمال را در غدیر خم تأیید می‌کند، نه نزول در عرفه و روز جمعه. در ضمن، گروه زیادی از پژوهشگران عامه هم مؤید نظریه ائمه اهل بیت (ع) هستند و البته دیدگاه ائمه (ع) مرجحاتی هم دارد؛ از جمله:

۱. تعارض در این‌جا میان قول پیامبر (ص) و قرآن از یک طرف، و قول عمر از طرف دیگر است، نه میان دو حدیث تا براساس مرجحاتی، یکی بر دیگری مقدم شود و قرآن و سخن پیامبر (ص) مقدم بر قول خلیفه است.

۲. اگر تعارض را از نوع تعارض دو حدیث هم بدانیم، نظریه ائمه اهل بیت (ع)، به دلایل بسیاری از جمله: آیات تطهیر، مباحله، «إنما ولیکم الله»، حدیث متواتر ثقلین و ...، مقدم بر قول صحابه است^{۱۹}. حدیث ثقلین که متواتر و مورد قبول قاطبه مسلمانان جهان است، مصدر دین را پس از رسول خدا (ص) در قرآن و اهل بیت و عترت وی (ع) منحصر می‌کند که در این حدیث، عدل قرآنند.

۳. علاوه بر این‌ها، متن حدیث خلیفه متناقض است، چون نسائی از خود وی، عرفه را پنج‌شنبه گزارش کرده است. (نسائی، بی تا: ۵ / ۲۵۱، ۸ / ۱۱۴)

۴. دربارهٔ عیدبودن روز عرفه، حتی یک حدیث هم وارد نشده و در مقام عمل، خود عمر نیز عرفه را عید نمی‌گرفت و همگان آن را بدعت می‌دانند.
۵. از دیدگاه خلیفه «الیوم یثس‌الذین کفروا من دینکم الیوم اکملت...» (مائده: ۳) روز معینی بوده، بنابراین، توجیه طبری و تطبیق آن به فتح مکه و غیر آن، نمی‌تواند صحیح باشد. (طبری، ۱۴۰۹: ۴/ ۱۱۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۴۳)
۶. روز نزول آیهٔ اِکمال، از نظر خلیفه، روز بسیار بزرگ و عید مسلمانان بود. اینک این پرسش پیش می‌آید که چرا آن عید بزرگ در جامعهٔ اسلامی هرگز برپا نمی‌شود؟
۷. اعیاد اسلامی توقیفی است و در خارج از تشریع رسول خدا (ص)، بدعت تلقی می‌شود و ائمهٔ اهل‌بیت و گروهی از پژوهشگران عامه به گزارش از رسول خدا (ص)، روز غدیر را عید بزرگ مسلمانان دانسته‌اند و بر این باورند که جبرئیل (ع) ازسوی پروردگار، آن را اعلام کرده است.
۸. اگر روز عرفه در حجة‌الوداع با جمعه مقارن بود، باید رسول خاتم (ص) نماز جمعه می‌خواند، با آن‌که گزارش‌های حدیثی عامه حاکی است که در آن روز، نمازهای ظهر و عصر را با یک اذان برگزار، و نماز جمعه را در منا اقامه کردند. (نسائی، بی‌تا: ۱/ ۲۹۰؛ ابوداود، بی‌تا: ۱/ ۴۲۹)
۹. براساس گزارش‌های روزشمار مورخان، رسول خاتم (ص) روز پنج‌شنبه ۲۶ ذی‌القعدة از مدینه حرکت کردند و در پنج‌شنبه بعدی، روز چهارم ذی‌الحجه وارد مکه شدند و روز اول ذی‌الحجه، دوشنبه بود. ازاین‌رو، عرفه روز سه‌شنبه، عید اضحی چهارشنبه و جمعه دوازدهم ذی‌الحجه و یوم‌النفر بوده است و پس از اقامهٔ نماز جمعه در منا به‌سوی مکه حرکت کرده‌اند.
۱۰. برپایهٔ گزارش‌های تاریخی، رسول خدا (ص) پس از نزول آیهٔ اِکمال، تنها ۸۰ یا ۸۱ شب زنده بودند (سیوطی، ۱۴۰۳: ۲/ ۵۹؛ طبری، ۱۴۰۹: ۲/ ۲۵۷ و ۴/ ۱۰۶؛ طبرائی، ۱۳۹۹: ح ۱۲۹۸۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۰/ ۲۲۳؛ رازی، بی‌تا: ۳/ ۵۲۹؛ ابوسعود، ۱۴۱۹: ۳/ ۵۲۳؛ امینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۳۰؛ سیوطی، ۱۹۷۳: ۱/ ۲۶-۲۷) و در دوازدهم ربیع‌الاول روز دوشنبه به خیل‌الانبیاء (ص) پیوستند. با آن‌که از نهم ذی‌الحجه تا ۱۲ ربیع بیش از نود روز می‌شود و این با ادعای خلیفهٔ دوم، مبنی بر نزول آیهٔ اِکمال در روز عرفه و جمعه تناقض آشکار پیدا می‌کند.
۱۱. عامه به‌منظور فرار از این تناقض، باید یا بیست‌وهشتم صفر را روز رحلت

پیامبر خاتم (ص) معرفی کنند، چنان‌که حق هم همین است و یا نزول آیه اکمال را در غدیر خم بپذیرند که در هجدهم ذی‌الحجه بوده و مطلوب ما و عین واقعیت و حقیقت است.

۱۲. نظریه خلیفه نیز با آن دسته از روایات که تولد، بعثت، هجرت، فتح مکه، پیروزی در غزوه بدر، شهادت رسول خاتم (ص) و نیز نزول سوره مائده، از جمله آیه اکمال را روز دوشنبه معرفی می‌کند، تناقض دارد. (بیهقی، ۱۴۰۵: ۳/۲۳۳؛ الهیثمی، ۱۹۶۷: ۱/۱۹۶؛ ابن‌کثیر، ۱۳۹۶: ۱/۱۹۸)

شایان ذکر است که گزارش این اقوال از اهل سنت از باب (الزموهم بما التزموا...) بوده، وگرنه از دیدگاه ما، رسول خاتم (ص) تنها هفتاد روز پس از روز غدیر در قید حیات بودند، چون آیه اکمال، روز پنج‌شنبه در روز غدیر نازل شد و رسول خدا (ص) در بیست‌وهشتم صفر به دیدار یار شتافتند. از مدینه، پنج‌شنبه ۲۷ ذی‌القعدة حرکت کردند و عصر چهارشنبه، چهارم ذی‌الحجه وارد مکه شدند؛ بنابراین، اول ذی‌الحجه دوشنبه، عرفه سه‌شنبه و غدیر هم روز پنج‌شنبه بوده است (کلینی، ۱۴۱۹: ۴/۲۴۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۷: ۹/۳۱۸).

و طبق بیان امام صادق (ع)، رسول خدا (ص) بیست بار حج انجام داده‌اند و در مدینه ده سال اقامت فرمودند، آنگاه دستور حجة‌الوداع نازل شد. (همان) و فرمود: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكُّلُ...» (حج: ۲۷).

رسول خدا (ص) در غدیر خم همه حاجیان را گرد آورد، آنگاه دست علی (ع) را گرفت و آنقدر بالا برد تا آن‌که زیر بغل او دیده شد و ... سپس آیه اکمال فرود آمد و رسول خدا (ص) فرمود: «الله أكبر! على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضى الرب برسالتي وبالولاية لعلي (ع) من بعدى» (طبری، ۱۳۶۷: ۱۱۹).

در تأیید این نظریه، باید افزود که رسول خاتم (ص)، پیوسته روزهای پنج‌شنبه سفر می‌کرد (بخاری، بی‌تا: ۶/۴؛ ابوداود، بی‌تا: ۱/۵۶۸؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۴: ۲/۳۴۱) و روزهای جمعه بازمی‌گشت (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۶/۲۷۲) و در حجة‌الوداع، روز پنج‌شنبه ۲۷ ذی‌القعدة حرکت کردند و در چهارم ذی‌الحجه وارد مکه شدند. برپایه این روایت، آن دسته از گزارش‌های خبری که روز حرکت از مدینه را ۲۴ ذی‌القعدة معرفی می‌کنند (حاشیه حلبی، ۱۳۲۰: ۳/۲۵۳)، از درجه اعتبار ساقط هستند، چراکه براساس آن‌ها، مدت سفر ده روز می‌شود.

۱۱. نتایج بحث و بررسی

از مباحث گذشته چنین برمی‌آید که:

۱. نظریه نزول آیه اکمال در روز عرفه با اشکال‌های عدیده‌ای مواجه است — خواه از نظر استدلال و خواه از نگرش تاریخی — و قابل دفاع نیست و با مخدوش شدن معارض، نظر ائمه اهل بیت (ع) بدون معارض می‌ماند و معارض دیگر، توان مقابله با سخن مستدل را پیدا نمی‌کند.
۲. به اتفاق امت اسلامی، روز نزول آیه اکمال از اعیاد بزرگ اسلامی است. این عید براساس روایات ائمه اهل بیت (ع) بر دلیل واضح و منطقی استوار است، چون عید جمعه مربوط به نماز جمعه، عید فطر مربوط به روزه و قربان در ارتباط با اسم حج است، ولی عید غدیر مربوط به ناامیدی و شکست نهایی دشمن، اکمال دین، اتمام نعمت و ... و عید ولایت است که پاسدار همه احکام نورانی اسلام به‌شمار می‌رود.
۳. بر همه مسلمانان، به‌ویژه بر علمای مذاهب اسلامی، واجب است که عید ولایت را به‌منظور تعظیم شعائر اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام با شکوه ویژه‌ای برگزار کنند و از این طریق، عزت اسلامی را پاس بدارند.
۴. آیه اکمال درباره امامت و ولایت و در راستای ضمانت اجرای احکام نورانی قرآن کریم نزول یافته و ضامن بقا و اجرای صحیح اسلام ناب محمدی (ص) بوده است.
۵. بدون به‌کارگیری این آیه، اسلام هرگز قدرت و توان لازم را در عرصه بین‌المللی نمی‌یابد و بدون پشتوانه عملی و ضمانت اجرایی می‌ماند و در نتیجه، سلطه اجانب بر حوزه اسلام را در پی دارد که با کمال تأسف چنین نیز شده است.
۶. تفسیر حدیث «بنی‌الاسلام علی خمس، الصلاة والزكاة والصيام والحج والولاية وما نودی بشيء کما نودی بالولاية» روشن می‌شود و علت بدبختی مسلمانان و سلطه بیگانگان بر پیکره اسلام مشخص می‌شود.
۷. رسول خدا (ص) در طول تمامی سال‌هایی که ابلاغ رسالت برعهده ایشان بود، در کنار ابلاغ تعالیم دین اسلام، امامت را هم به دستور خدا در مناسبت‌های گوناگون، بیان و خلیفه و امام پس از خود را معرفی می‌کرد و در غدیر خم، این مسئله حیاتی را رسماً اعلام فرمود و در یک مراسم رسمی از همه حاضران برای امام علی (ع) به رسم خلافت، بیعت گرفت. اما به دلایل مختلف، از جمله: بی‌تقوایی گروهی، غفلت نخبگان و خواص و مرعوب شدن توده مردم، خلافت اسلامی از جایگاه اصلی منحرف شد و دیری نپایید که به

یک سلطنت موروثی - در دودمان امیه و سپس خاندان بنی عباس - مبدل شد و در نتیجه، باعث عقب افتادگی عالم اسلام شد.

۸. این اقدام ناسنجیده به تعطیلی اغلب احکام نورانی اسلام و تسلط بیگانگان بر حوزه فکری - فرهنگی اسلام انجامید و در روند قطعی آیه «لیظهره علی الدین کله» وقفه طولانی ایجاد کرد.

۹. زمامداران کشورهای اسلامی و برخی علمای دینی مذاهب اسلامی، با بی توجهی به حماسه بزرگ غدیر و آیات آن، عظمت، اقتدار، هیبت و هیمنه ملت های اسلامی را در عرصه جهانی از بین برده و ارزش های والای آن را زیر پا نهاده و خواری و ذلت دنیا و آخرت را برای خود فراهم ساخته اند.

پی نوشت

۱. نخست در غار حراء، پس از نزول اولین سوره قرآن (علق) و آخرین بار در کنگره بزرگ غدیر، با اجرای مراسم بیعت و بالاخره، بیان حدیث ثقلین و درخواست کاغذ و قلم برای نوشتن امامت و جانشینی علی (ع) که با مخالفت خلیفه دوم پایان پذیرفت. (← مطهری، ۱۳۵۵: طرح های رسالت ...؛ بروجردی، بی تا: ۱۶-۱۷؛ احمدی، بی تا: ۶۱۸-۶۲۶؛ آیتی، ۱۳۶۶: ۱۰۰-۱۰۳؛ و ششوی، بی تا: حدیث الثقلین)

۲. علامه امینی در رابطه با سند مستدرک حاکم اشاره دارد که او روایت را صحیح دانسته و ابن کثیر نیز از حاکم نقل کرده و آن را تصحیح کرده است. (← امینی، ۱۳۸۷: ۶/ ۱۸۴، روایت شماره ۹)

۳. عسقلانی برای توجیه حدیث «ان الرجل لیهجر»، با درک عمق فاجعه، حدود سه صفحه بحث کرده است، ولی هرگز نتوانسته است نازیبایی آن را محو کند.

۴. قرآن کریم، کسانی را که برخلاف «ما أنزل الله» حکم کنند، در آیات ۶۴ تا ۶۷ سوره مائده، به ترتیب، جزو کافران و ظالمان و فاسقان خوانده و با آوردن ضمیر فصل میان مبتدا و خبر بر آن تأکید کرده است.

۵. علامه امینی اشاره دارد که سیوطی در *اتقان* (۱/ ۳۱)، در ضمن تعداد آیاتی که در سفر نازل شده است، به روایت دیگری اشاره کرده و آن را صحیح دانسته است.

۶. و نزلنا علیک الکتب تبینا لکل شیء وهدی ورحمة ویشری للمسلمین. (نحل: ۸۹)

۷. الیوم یش الذین کفروا من دینکم ... الیوم اکملت ... (مائده: ۳)

۸. ... قال انی جاعلک للناس اماما، قال و من ذریتی، قال لاینال عهدی الظالمین ... (بقره: ۱۲۴)

۹. و به او اسحاق و فرزندزاده اش یعقوب را عطا کریم و همه را صالح و شایسته گردانیدیم، و آنان

- را پیشوای مردم ساختیم تا خلق را به امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را خصوص اقامه نماز و ادای زکات را به آن‌ها وحی کردیم و آن‌ها هم به عبادت ما پرداختند.
۱۰. ابن جریر طبری، کتاب ولایت خود را در دو جلد درباره غدیر و اسناد آن تألیف کرده و به همین سبب، مورد سرزنش عده‌ای از عالمان مذهب خود قرار گرفته است. (برای آگاهی بیشتر، ← امینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۳۰-۲۴۰)
۱۱. عبقات‌الانوار را غلامرضا مولانا، پژوهشگر معاصر، تحقیق و حدیث غدیر را در ۱۰ جلد و حدیث منزلت را هم در ۱۰ جلد و ... به چاپ رسانده است.
۱۲. إحقاق‌الحق را مرحوم نجفی مرعشی، با همکاری برخی از فضلاء حوزه، تحقیق کرده و ملحقات بسیاری را بر آن افزوده و در بیش از ۳۵ جلد منتشر کرده است.
۱۳. لغدیر در ۲۵ جلد تألیف شده و تاکنون ۱۱ جلد آن چاپ شده است. این سه کتاب، از اول تا پایان، حتی یک کلمه از کتاب‌های شیعه نقل نکرده‌اند، بلکه تمامی محتوای این سه کتاب، فقط از منابع حدیثی اهل سنت گرفته شده است.
۱۴. سیوطی در تفسیر الدر المنثور (۲/ ۲۵۷-۲۵۹) از طریق طبری و بیهقی گزارش می‌کند که آیه اِکمال در حجة‌الوداع فرود آمد و پس از آن، دیگر هیچ آیه‌ای درباره حلال و یا حرامی نازل نشد.
۱۵. مرحوم صدوق هم کتاب اِکمال‌الدین خود را درباره همین آیه به نگارش درآورده است.
۱۶. خطیب بغدادی در تاریخ معروف خود (۸/ ۲۹۰) می‌گوید: «رسول خدا (ص) در روز غدیر، دست علی (ع) را گرفته و بالا برد و فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه ... فقال عمر بنّ بخ بخ یا بن ابی طالب اصبحت مولای و مولی کل مسلم، فانزل الله تعالی: الیوم اکملت لکم ...
۱۷. از دیدگاه برخی از علمای معاصر اهل تسنن در این باره و تبعیت بی‌چون و چرای آن‌ها از قول خلیفه در صفحات قبل نیز صحبت شده بود.
۱۸. سیوطی به گزارش از ابن‌عساکر و ابن‌مردویه و خطیب قزوینی، نقل کرده است که آیه اِکمال، آخرین آیه قرآن از حیث نزول است.
۱۹. «أنی تارک فیکم الثقلین احدهما اکبر من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض ...». این را احمد در مسند (۳/ ۱۴)، ۳۶۶-۳۷۱؛ ۱۷/ ۲۶؛ دارقطنی در سنن (۲/ ۴۳۱)؛ مسلم در صحیح (۷/ ۱۲۲)؛ حاکم در مستدرک (۳/ ۱۰۹-۱۴۸)؛ بیهقی در سنن کبری (۲/ ۱۴۸) و گروه کثیر دیگری گزارش کرده‌اند، حتی برخی درباره آن و اسنادش نگارش ویژه‌ای سامان داده‌اند.

منابع

قرآن‌الکریم.

۱۰۴ پژوهشی در شأن، ترتیب و زمان نزول آیات غدیر

- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۶۶ش). *تاریخ پیامبر اسلام (ص)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹ق). *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد (بی تا). *المحلی بالآثار*، بیروت: دارالفکر.
- ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد (۱۳۱۳ق). *مسند احمد*، بیروت، مصر: دار صادر.
- ابن سید الناس، ابو الفتح (۱۴۱۴ق). *عیون الاثر*، بیروت: دارالقلم.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۹ق). *تفسیر ابن کثیر*، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۹۶ق). *السیرة النبویة*، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن منظور الأنصاری (۱۴۰۹ق). *مختصر تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق روحیة النماص، دمشق: دارالفکر.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۱ق). *السیرة النبویة*، تحقیق طه عبدالرئوف، بیروت: دارالجليل.
- ابوداود، سلیمان ابن الاشعث سجستانی ازدی (بی تا). *سنن ابی داود*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دارالفکر.
- ابوسعود، محمد بن مصطفی عمادی (۱۴۱۹ق). *تفسیر ابوسعود*، تحقیق عبداللطیف، عبدالرحمن، بیروت: دارالکتب.
- ابوعلی موصلی، محمد بن محمد (بی تا). *طبقات الحنابلة*، تحقیق محمد حامد الفقی، بیروت: دارالمعرفة.
- احمدی، غلب بن حسینعلی (بی تا). *مکاتیب الرسول*، بیروت: دار صعب.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۸۷ق). *الغدیر فی الکتاب والسنة والادب*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق). *الغدیر فی الکتاب والسنة والادب*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). *صحیح بخاری*، بیروت: دارالفکر.
- بروجردی، سیدحسین (بی تا). *تفسیر الصراط المستقیم*، تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی، بی جا: انتشارات الصدر.
- بیهقی، احمد بن الحسین (بی تا). *السنن الکبری*، بیروت: دارالفکر.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۵ق). *دلائل النبوة*، تحقیق عبدالمعطی قلعه جی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (بی تا). *سنن ترمذی*، تحقیق: ابراهیم عطوه عوض، بیروت: دار احیاء التراث.
- حاکم نیشابوری (۱۴۲۵ق). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالمعرفة.
- حرّ عاملی (۱۴۲۷ق). *وسائل الشیعة الی تحصیل مقاصد الشریعة*، تحقیق و مقدمه: آیت الله مرعشی نجفی، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- حلبی، علی بن برهان (۱۳۲۰ق). *السیرة الحلبیة*، بیروت: دارالفکر.
- حموینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۸ق). *فرائد السمطین*، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسة المحمودی.
- رازی، فخرالدین (بی تا). *تفسیر فخر رازی*، تحقیق عبدالله محمدالدرویش، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- الزحیلی، وهبة (۱۴۱۱ق). *التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج*، بیروت: دارالفکر.
- سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۲ق). *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفة.
- سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۴۱۹ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۹۷۳م). *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق ابو الفضل ابراهیم، بیروت: المكتبة الثقافية.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۳ق). *تفسیر الدر المنثور*، بیروت: دارالفکر.

- شنقيطی، محمد (۱۴۱۷ق). *أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن*، قاهره: دارالكتب المصرية.
- شوشتری، نورالله (۱۴۰۲ق). *احقاق الحق*، تحقيق شهاب الدين نجفی مرعشی، قم: انتشارات مكتبة مرعشی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). *اکمال الدين و تمام النعمة*، قم: انتشارات جامعه مدرسين.
- طبرانی، سليمان بن احمد (۱۳۹۹ق). *المعجم الكبير*، تحقيق حمدي السلفی، بغداد: الدار العربية للطباعة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۰ق). *تاریخ طبری*، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ق). *تفسير طبری*، بيروت: دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳ق). *دلائل الامامة*، نجف اشرف: مطبعة الحيدري.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۷ق). *المتسرشد*، قم: مؤسسة الثقافة الإسلامية.
- الططاوي، محمد (۱۴۱۱ق). *تفسير الجواهر*، بيروت: دارالكتب العلمية.
- طوسي، أبو جعفر محمد بن الحسن (بی تا). *التبيان في تفسير القرآن*، تحقيق احمد حبيب قصير العاملي، تهران: انتشارات يزدي.
- قاسمی، محمد جمال الدين (۱۳۹۸ق / ۱۹۵۷م). *محاسن التأويل*، لبنان: دار احیاء الكتب العربية.
- قرطبي، محمد بن احمد انصاری (۱۴۰۵ق). *تفسير قرطبي*، تحقيق مصطفى السقا، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۹ق). *الاصول من الکافي و فروعه*، بيروت: دارالتعارف.
- متقی هندی (۱۴۰۱ق). *کنز العمال*، تحقيق بکری حیانی و صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*، بيروت: مؤسسة الوفا.
- المراغي، احمد مصطفى (بی تا). *تفسير القرآن*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسلم بن حجاج نیشابوری (۱۹۷۲م). *صحیح مسلم*، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار العلم للملايين.
- مطهری، احمد (۱۳۵۵ش). *طرح های رسالت پیرامون خلافت و زمانه*، قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.
- نسائی، احمد بن شعيب (بی تا). *سنن نسائی*، شرح عبدالرحمن سیوطی، بيروت: دارالفکر.
- وشنوی، قوام الدين (بی تا). *حدیث الثقلین*، ترجمه مصطفى ملکی، قم: چاپخانه حکمت.
- هندي، میر حامد حسین (۱۴۱۲ق). *عقبات الانوار (حدیث غدیر)*، تحقيق غلامرضا مولانا بروجردی، قم: سید الشهداء.
- الهیثمی، علی بن ابی بکر (۱۹۶۷). *مجمع الزوائد*، بيروت: دارالکتب العربی.
- یعقوبی، محمد بن واضح (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، بيروت: دارالصادر.

